

واکاوی افول سرمایه اجتماعی در ایران

علی حمیدی زاده*

استادیار، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۵)

چکیده

نتایج پژوهش‌های مختلف نشان داده است افول سرمایه اجتماعی پدیده‌ای فراگیر است و اغلب کشورهای دنیا به آن دچار شده‌اند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر افول سرمایه اجتماعی انجام گرفته است. به این منظور در پژوهش کیفی حاضر، ۱۲ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه و هشت نفر از شهروندان به‌عنوان نمونه و با روش هدفمند انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه و گروه کانونی بود. داده‌های جمع‌آوری‌شده با روش تحلیل تم تجزیه و تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد در مجموع، ۹۴ عامل در افول سرمایه اجتماعی اثرگذارند. عوامل شناسایی‌شده در قالب چهار بعد، شامل ابعاد اجتماعی (۴۴ عامل)، سیاسی (۲۸ عامل)، اقتصادی (۱۵ عامل) و فناورانه (۱۰ عامل) طبقه‌بندی شدند. در بین عوامل شناسایی‌شده، افزایش فردگرایی با هفت تکرار، و ضعف در عملکرد مدیران با شش تکرار، به‌عنوان مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر افول سرمایه اجتماعی شناسایی شدند.

کلیدواژه‌ها

سرمایه اجتماعی، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی، عوامل فناورانه.

* نویسنده مسئول، رایانامه: hamidizadeh@ut.ac.ir

مقدمه

امروزه کارشناسان توسعه بر این باورند که سرمایه اجتماعی مایه و پایه اصلی توسعه هر کشور است. سرمایه اجتماعی ماهیتی ظریف و حساس دارد، به تدریج تکوین می‌یابد، به‌کندی سرعت می‌گیرد و اگر خوب ادراک و احیا نشود، به‌سرعت کاسته می‌شود. سرمایه اجتماعی جامعه را به بقا، همبستگی و اهداف مشترک رهنمون می‌کند. آنچه اهمیت سرمایه اجتماعی را دوبرابر می‌کند، این است که در غیاب آن، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند (زارعی‌متین و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۶۳). در کشوری که حکومتی کارآمد و سطوح متعالی سرمایه اجتماعی دارد، دولت و جامعه مکمل یکدیگرند و در رویارویی با چالش‌های پیش رو به یاری یکدیگر می‌شتابند. سطوح مناسب سرمایه اجتماعی، سبب رشد آگاهی در سطح جامعه و مسئولیت‌پذیری افراد شده، و موجب انسجام بیشتر، کاهش جنایات و کاهش کنترل رسمی شهروندان می‌شود. در واقع، هنجارهای درونی شده که از طریق جامعه‌پذیرکردن افراد شکل گرفته است، از سویی، باعث کاهش هزینه‌های دولتی؛ و از سوی دیگر، باعث تقویت رابطه مردم و دولت می‌شود (عباس‌زاده و کرمی، ۱۳۹۰، ص ۴۶). علی‌رغم اینکه درباره منافع و مزایای سرمایه اجتماعی اتفاق نظر وجود دارد، پژوهش‌های مختلف چه در سطح داخلی (دینی ترکمانی، ۱۳۸۵؛ عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۵؛ پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۴)، و چه در سطح بین‌المللی (Bartolini & Sarracino, 2007; Putnam, 1995; Paxton, 1999; 2015; Clark, 2015; Olken, 2009; Domenichini, 2007) نشان می‌دهند در کشورهای مختلف از جمله ایران، با افول این سرمایه مواجهیم. از آنجا که میزان این سرمایه به‌طور ملموس برای سیاست‌ورزان مشاهده‌شدنی نیست، تا کنون توجه کافی به این مسئله نشده است و به نظر می‌رسد در صورت تداوم بی‌توجهی به این سرمایه ناملموس، روند رو به کاهش آن همچنان ادامه خواهد یافت. علاوه بر بی‌توجهی سیاستمداران و کارگزاران، جامعه علمی در ایران نیز موضوع افول سرمایه اجتماعی را با قوت بررسی نکرده‌اند و عمده پژوهش‌های داخلی انجام گرفته معطوف به سنجش سرمایه اجتماعی و بررسی میزان افول آن بوده، و تلاش چشمگیری برای واکاوی دلایل و چرایی این افول، انجام نگرفته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی

پیشایندهای افول سرمایه اجتماعی انجام گرفته است و در پی پاسخ به این پرسش است که چرا سرمایه اجتماعی در ایران افول کرده است؟

مبانی نظری پژوهش

منشأ تاریخی سرمایه اجتماعی

دربارهٔ ردیابی ریشه‌های نظری سرمایه اجتماعی، دورکهم (۱۹۸۴) از اولین اندیشمندانی است که بر اهمیت زندگی گروهی به عنوان جبران‌کنندهٔ تخریب‌های ناشی از ناهنجاری‌ها تأکید کرده است. در حقیقت، معنای امروزی سرمایه اجتماعی بسط‌یافتهٔ این مفهوم ریشه‌ای است. کارل مارکس (۱۹۶۷) به اهمیت انسجام تأکید کرد. پیوستگی و همراهی، از زندگی در شرایط و موقعیت‌های مشابه ریشه می‌گیرد. به زعم مارکس، انسجام از طریق هنجارهایی ترغیب نمی‌شود که افراد در خلال رشد، آن‌ها را درونی می‌کنند و نیز آموزش‌دانی نیست. در عوض، انسجام جنبشی است که در موقعیت‌هایی اضطراری ریشه دارد؛ موقعیت‌هایی که در آن‌ها افراد به دنبال سرنوشت مشترک‌اند، با یکدیگر هویت کسب کرده، و از ابتکار عمل همدیگر حمایت می‌کنند. مشابه مارکس، لیدا جودسن هانی‌فان^۱ (۱۹۲۰) سرمایه اجتماعی را جوهرهٔ ملموسی می‌داند که در زندگی روزمرهٔ افراد جریان دارد. به اعتقاد او جوهرهٔ ملموس از نیت خوب، تعاملات بین افراد و خانواده‌ها، دوستی، معاشرت و گردهم‌آمدن در جمع‌های اجتماعی تشکیل شده است. اگرچه لفظ سرمایه اجتماعی به عنوان مفهومی ابداعی توسط افرادی مختلف مانند هانی‌فان، جین جاکوبز^۲ و گلن لوری^۳ مطرح شد، این مفهوم توجه سایر صاحب‌نظران را جلب نکرد و برای مدت زمان زیادی بدون توجه ماند.

1. Lyda Judson Hanifan

2. Jane Jacobs

3. Glenn Loury

سرمایه اجتماعی

ایده سرمایه اجتماعی، در مجموعه تاریخی ایده‌های مرتبط با شکل‌های مختلف سرمایه قرار گرفته است. ابتدا مفهوم سرمایه فیزیکی معرفی شد تا روش‌هایی تبیین شود که ابزار و ماشین‌آلات، تولید اقتصادی را تسهیل می‌کنند. سپس، بیکر (۱۹۹۰) مفهوم سرمایه انسانی را مطرح کرد؛ که در آن افراد از طریق آموزش و توسعه شغلی این امکان را در خود ایجاد می‌کنند تا تولید را تسهیل کنند. سرمایه اجتماعی به عنوان مفهومی جدیدتر، تصریح می‌کند که برخی روابط اجتماعی (برای مثال شبکه‌های متراکم، و هنجارهای متقابل) هم می‌توانند تولید را تسهیل کنند. علاوه بر این، با معرفی سرمایه اجتماعی، محققان آغازکننده این بحث بودند که کارایی از طریق کالاهای غیراقتصادی نیز به دست می‌آید.

مفهوم سرمایه اجتماعی توسط دو جامعه‌شناس، بوردیو^۱ (۱۹۸۶) و کلمن (۱۹۸۸)، معرفی شد. نویسندگان دیگری از رشته‌های مختلف نیز این مفهوم را به کار گرفتند. بوردیو سرمایه اجتماعی را مجموعه منابع بالقوه یا بالفعلی می‌داند که با عضویت در شبکه پایایی از روابط کم‌وبیش نهادینه‌شده از آشنایی یا شناخت متقابل به دست می‌آید. به نظر کلمن، سرمایه اجتماعی ارزش جنبه‌ای از ساختار اجتماعی است که به عنوان منبعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا آن‌ها بتوانند به اهداف و منافع خود دست یابند. پوتنام نیز یکی دیگر از محققان اخیر سرمایه اجتماعی است، او سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می‌شود و در نهایت، منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. او سرمایه اجتماعی را وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی، در نظام‌های مختلف سیاسی می‌داندست و تأکید عمده او بر مفهوم اعتماد بود.

همان‌طور که بیان شد، افراد با دیدگاه‌های مختلف سرمایه اجتماعی را تعریف کرده‌اند؛ از این رو، تعریف‌های مختلفی از این مفهوم وجود دارد. تفاوت‌هایی که گاهی اساسی و عمیق‌اند. این تفاوت‌ها سه دسته‌اند، که عبارت‌اند از:

1. Bourdieu

۱. تفاوت براساس مزایا و دستاوردهای اصلی: برخی منفعت عمومی را دستاورد سرمایه اجتماعی معرفی می‌کنند (Fukuyama, 1996; Coleman, 1990)، و برخی دیگر معتقدند افراد به‌طور مستقیم از سرمایه اجتماعی برخوردار می‌شوند (Belliveau, 1996; Burt, 1992)؛

۲. تفاوت براساس کارکردهای هنجاری: در تعریف‌های مختلف، سرمایه اجتماعی عنصر ایجاد و حفظ تعاملات اجتماعی معرفی شده است و در هر تعریف برای شدت، فراوانی و کارایی آن، دیدگاه‌ها و نگرش‌های متفاوت وجود دارد؛

۳. تفاوت براساس سطح تحلیل: محققان برای تشریح سرمایه اجتماعی از سطوح تحلیل متفاوتی بهره می‌برند. برای نمونه فوکویاما (۱۹۹۶) سرمایه اجتماعی را ویژگی ملت‌ها یا نواحی جغرافیایی، پونتم آن را ویژگی اجتماع‌ها، برت آن را ویژگی شبکه‌های فردی و بیکر آن را ویژگی سازمان‌ها در تعاملاتشان با سازمان‌های دیگر، و بلیویو و همکارانش (۱۹۹۶) سرمایه اجتماعی را ویژگی عاملان فردی می‌دانند.

در پژوهش حاضر، سرمایه اجتماعی در سطح کلان در نظر گرفته شده است و از آن به‌عنوان ویژگی یک جامعه یاد می‌شود.

افول سرمایه اجتماعی

در جامع‌ترین ارزیابی، مؤسسه لگاتوم^۱ از سال ۲۰۰۷ سرمایه اجتماعی را به‌عنوان یکی از شاخص‌های کامیابی در کشورهای دنیا می‌سنجد. این شاخص امکان مقایسه و رتبه‌بندی کشورها را براساس میزان سرمایه اجتماعی فراهم می‌کند، که در ۱۵۰ کشور ارزیابی شده است.

جدول ۱. رتبه سرمایه اجتماعی ایران در دنیا

سال	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷
رتبه در دنیا	۸۳	۹۶	۹۸	۱۰۳	۶۰	۶۰	۵۴	۶۵	۷۴	۷۴	۷۰

منبع: Legatum, 2017

1. Legatum Institute

اگرچه رتبه ایران در سال ۲۰۱۷ اندکی نسبت به سال قبل بهبود یافته است، وضعیت کلی آن در دنیا مناسب نیست، بهترین وضعیت ایران مربوط به سال ۲۰۱۳ است که رتبه ۵۴ در این سال، طی سه سال بعد روند افزایشی را نشان می‌دهد و بدترین رتبه نیز به سال ۲۰۱۰ تعلق دارد که در این سال ایران جایگاه ۱۰۳ را در جهان کسب کرده است. مقایسه وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران با کشورهای خاورمیانه نیز وضعیتی مشابه دارد. در سال ۲۰۱۷، ایران در بین ۲۰ کشور خاورمیانه، رتبه دهم را به خود اختصاص داد که این وضعیت نیز چندان رضایت‌بخش نیست (Legatum, 2017).

علاوه بر بررسی‌های بین‌المللی، تحقیق‌های داخلی زیادی پیرامون وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران انجام گرفته است. در برخی پژوهش‌ها، سرمایه اجتماعی با شاخص‌های عینی سنجیده می‌شود؛ از جمله درصد تعداد چک‌های برگشتی (انعکاسی از بی‌اعتمادی فعالان اقتصادی به یکدیگر)، تلفات جاده‌ای (انعکاسی از رعایت نکردن قوانین و مقررات) و میزان جرم و جنایت (انعکاسی از قانون‌شکنی). تعداد چک‌های برگشتی از ۹۳/۴ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۸۰/۱۱ درصد در سال ۱۳۹۱ و ۱۵/۸ درصد در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است که می‌تواند نشان‌دهنده افزایش بی‌اعتمادی مردم به یکدیگر و در نتیجه، کاهش سطح سرمایه اجتماعی در کشور طی این سال‌ها باشد (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰، ص ۴۲). به کارگیری این استنباط‌ها برای تبیین افول سرمایه اجتماعی خالی از انتقاد نیست و در نظر گرفتن اثر سایر متغیرها بر این شاخص‌ها، از تردیدهای جدی است که می‌تواند بر این تبیین وارد باشد.

بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی به صورت پیمایشی و در قالب طرح ملی (در ۳۰ استان با حجم نمونه ۱۳۸۴۳ نفر) نیز انجام گرفته است. دور اول این طرح در سال ۱۳۸۳ انجام گرفته، و نتایج نشان داده است سرمایه اجتماعی در ایران وضعیت پایین رو به متوسط دارد (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶). دور دوم طرح ده سال بعد و در سال ۱۳۹۳، مشابه دور قبل، در سطح ملی (۳۱ استان با حجم نمونه ۱۴۳۸۷ نفر) انجام گرفت.^۱ پیمایش دور اول در سطح شهری، و دور دوم در

۱. برگرفته از گزارش اجرای طرح ملی سنجش سرمایه اجتماعی کشور، نمایه پژوهش، دوره جدید، سال ۱، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۴.

سطح شهری و روستایی انجام گرفت. همچنین، نتایج نشان داد در سطح میانی و به‌ویژه خرد، ارزش‌های اخلاقی، افت زیادی داشته است. همان‌طور که مشخص شد، درباره افول سرمایه اجتماعی در جامعه علمی و پژوهشی ایران اتفاق نظر وجود دارد. مطالعات آینده‌پژوهانه نیز بر این وضعیت نامطلوب صحنه می‌گذارد. شناسایی مسائل و چالش‌های مهمی که کشور با آن‌ها روبه‌روست، نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی به لحاظ اهمیت در سال ۱۳۹۴، و در رده سوم و در سال ۱۳۹۶ در رده ششم مسائل و چالش‌های مهم ایران قرار دارد (آینده‌بان، ۱۳۹۶)، که ضرورت توجه به آن را دو برابر کرده است.

پیشینه پژوهش

برخلاف اینکه به موضوع سرمایه اجتماعی توجه زیادی شده است و طی چند سال گذشته، پژوهش‌های زیادی پیرامون آن انجام گرفته است، بررسی چرایی افول آن، کمتر مورد اقبال پژوهشگران داخلی قرار گرفته و از این حیث، پیشینه تجربی قوی، در دسترس نیست. از محدود پژوهش‌های موجود در ایران می‌توان به مقاله دینی ترکمانی (۱۳۸۵) با عنوان «تبیین افول سرمایه اجتماعی» اشاره کرد. در پژوهش یادشده، افول سرمایه اجتماعی در نحوه رابطه عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با یکدیگر بررسی شده است. عبداللهی و موسوی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان گذار»، یافته‌های حاصل از سنجش وضعیت سرمایه اجتماعی در پروژه‌ای ملی را بیان کردند. برخلاف پژوهش‌های داخلی، افول سرمایه اجتماعی در سطح بین‌المللی، مورد توجه و اقبال زیادی قرار گرفته است. مقاله رابرت پوتنام (۱۹۹۵) با عنوان «بازی بولینگ در تنهایی: سقوط سرمایه اجتماعی در آمریکا» از مهم‌ترین مقالات در این زمینه است. مقاله‌ای که توجه پژوهشگران در سراسر دنیا را به موضوع افول سرمایه اجتماعی معطوف کرده، و در شکل‌گیری موجی از توجه به موضوع افول، نقشی انکارناپذیر ایفا کرده است. مقاله‌ای با عنوان «آیا سرمایه اجتماعی در آمریکا رو به افول است؟ ارزیابی با شاخص‌های چندگانه» مشابه مقاله پوتنام به افول سرمایه اجتماعی در آمریکا پرداخته است. در مقاله یادشده شاخص‌های متعدد برای سرمایه اجتماعی شناسایی شده و داده‌های مربوط

به بازه زمانی ۲۰ ساله جمع آوری شده است. به اعتقاد پژوهشگر، ادعای پوتنام مبنی بر افول سرمایه اجتماعی در آمریکا صحیح نیست و یافته‌ها فقط کاهش در برخی شاخص‌های عمومی را نشان می‌دهند (Paxton, 1999). «فهم افول سرمایه اجتماعی» نیز عنوان پژوهش دیگری است که مانند مقاله قبلی سعی دارد ادعای افول سرمایه اجتماعی را بررسی کند. نتایج بررسی شاخص‌های متعدد در بازه زمانی سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۹۸، افول سرمایه اجتماعی در آمریکا را چندان زیاد نمی‌داند (Costa & Kahn, 2003). «سرمایه اجتماعی در جامعه نوین: افول یا تغییر» عنوان پژوهشی است که در آن، ابتدا به افول سرمایه اجتماعی و مقایسه دیدگاه‌های مختلف پیرامون آن پرداخته، سپس، نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را با محوریت عوامل اقتصادی تبیین کرده است (Domenichini, 2007). پژوهش دیگری در روستاهای اندونزی انجام گرفته است و در آن به نقش تلویزیون و رادیو در تخریب سرمایه اجتماعی پرداخته شده است. نتایج پژوهش یادشده نشان داده است کسانی که ساعات بیشتری صرف تلویزیون و رادیو می‌کنند، در سطح پایین‌تری از سرمایه اجتماعی قرار دارند (Olken, 2009). «بازاندیشی افول سرمایه اجتماعی» عنوان مقاله‌ای است که در آن برخلاف پژوهش‌های قبلی که در سطح خرد، عوامل فردی و در سطح کلان، شرایط اقتصادی را عامل افول می‌دانند، ریشه افول را تغییرات نسلی در نظر گرفته است (Clark, 2015). «بخش تاریک رشد چین: افول سرمایه اجتماعی و بهزیستی در زمان بمب اقتصادی» عنوان پژوهش براتولینی و ساراچینو (۲۰۱۵) است. به زعم آنان، افزایش گرایش چینی‌ها به ارزش‌های ماتریالیستی، عامل افول سرمایه اجتماعی در این کشور طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ بوده است (Bartolini & Sarracino, 2015). «روند سرمایه اجتماعی در کانادا» نیز پژوهشی جامع پیرامون وضعیت سرمایه اجتماعی است که به تفصیل با بررسی شاخص‌های متعدد، روند سرمایه اجتماعی را از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ در این کشور بررسی کرده است. طبق این پژوهش، به‌طور کلی تغییراتی محسوس در سرمایه اجتماعی مشاهده نشده و وضعیت سرمایه اجتماعی طی این چند سال، بهبود یافته است. نتیجه پژوهش یادشده با نتایج سایر پژوهش‌ها در کشورهای دیگر، متفاوت است. از معدود شاخص‌هایی که در این کشور کاهش یافته، دیدار با دوستان است که علت این اتفاق نیز تغییر ماهیت ارتباطات به‌واسطه تکنولوژی‌های نوین بیان شده است (Turcotte, 2015).

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی، و با رویکرد کیفی، مبتنی بر تحلیل تم انجام گرفته است. برای جمع‌آوری داده‌ها دو ابزار مصاحبه و گروه کانونی به کار گرفته شد. جامعه مورد پژوهش اعضای هیئت علمی دانشگاه و شهروندان با مدرک تحصیلی حداقل کارشناسی ارشد بودند. به روش هدفمند، ۱۲ نفر به عنوان نمونه از اعضای هیئت علمی انتخاب شدند. کفایت و اشباع داده‌ها ملاک تعیین تعداد پاسخگویان در این بخش بود. در جدول ۲، خلاصه‌ای از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی اعضای نمونه هیئت علمی بیان شده است.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی اعضای هیئت علمی

دانشگاه		
دولتی	غیردولتی	
۱۱	۱	-
سابقهٔ خدمت		
کمتر از ۱۰ سال	۱۰ تا ۲۰ سال	بیش از ۲۰ سال
۹	۲	۱
مرتبهٔ علمی		
استادیار	دانشیار	استاد
۸	۳	۱

گروه کانونی نیز روش دیگری برای جمع‌آوری داده است که در این پژوهش به کار گرفته شده است. گروه کانونی روشی برای تبادل افکار و مذاکره است که طبق یک برنامه‌ریزی دقیق طراحی می‌شود تا ادراک و بینش مصاحبه‌شوندگان را در محیطی به دور از تهدید و فشار بسنجد. تعداد ۶ تا ۱۲ نفر برای شرکت در این روش توصیه می‌شود که در این پژوهش ۸ نفر از شهروندان بدین منظور انتخاب شدند. ملاک انتخاب شهروندان نیز داشتن حداقل مدرک کارشناسی ارشد، آشنابودن با مفهوم سرمایه اجتماعی و داشتن سابقه پژوهش در این زمینه بود.

برای بررسی پایایی دو روش پایایی دوکدگذار و پایایی بازآزمون به کار گرفته شد. به منظور محاسبه پایایی بین دو کدگذار، سه مصاحبه انتخاب شد و توسط یک متخصص دوباره کدگذاری شد. درصد توافقات درون‌موضوعی محاسبه شده برابر با ۸۴ درصد است. این میزان بالاتر از ۶۰ درصد، یعنی بالاتر از حد قابل قبول برای پایایی است.

به منظور ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهشگر، پایایی بازآزمون بررسی شد. برای محاسبه پایایی بازآزمون، از بین مصاحبه‌های انجام گرفته، سه مصاحبه انتخاب شد و هر یک از آن‌ها در فاصله زمانی ۱۰ روزه توسط پژوهشگر، دوباره کدگذاری شد. پایایی بازآزمون برابر با ۸۷ درصد به دست آمد، این میزان بالاتر از ۶۰ درصد است که به عنوان حد قابل قبول برای تأیید پایایی بازآزمون در نظر گرفته می‌شود.

$$\text{درصد پایایی بازآزمون} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\% = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

از جمله استراتژی‌های به کار گرفته شده در پژوهش حاضر برای اعتباریابی، استراتژی ممیزی بیرونی^۱ است. بدین منظور یک متخصص آشنا با موضوع سرمایه اجتماعی تأیید کرد که یافته‌ها، تفسیر و نتیجه‌گیری پژوهش، توسط مبانی نظری حمایت می‌شوند. استراتژی دیگر برای اعتباریابی، روش کنترل اعضا^۲ است؛ بدین صورت که از دیدگاه مشارکت‌کنندگان برای برقراری اطمینان‌پذیری یافته‌ها و تفسیرها بهره گرفته شد. تم‌های اولیه استخراج شده در اختیار دو عضو هیئت علمی قرار داده شد، که آن‌ها در مصاحبه‌ها مشارکت داشتند، و با توجه به نظر آن‌ها، تم‌ها دوباره بازبینی و جرح و تعدیل شد.

یافته‌های پژوهش

برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها تحلیل تم انجام گرفت. فرایند تحلیل تم با الگو قراردادن نظر براون و کلارک، در چهار مرحله آشناسدن با داده‌ها، برچسب‌زنی داده‌ها، طبقه‌بندی تم‌های فرعی، و مشخص کردن تم‌های اصلی انجام گرفت (Braun & Clarke, 2006, p.78). در جدول ۳، چند مورد از کدگذاری‌ها برای نمونه بیان شده است.

-
1. External audits
 2. Member checking

جدول ۳. نمونه‌ای از کدگذاری‌ها

کد	متن مصاحبه
تمایل به پیشرفت سریع	مردم باورهایشان فرق کرده است، دهه شصت باور این بود که اگر من آسیب ببینم، ایراد ندارد، بگذار کشور آسیب نبیند. الان بچه زرنگ کسی است که یک شبه ره صدساله را طی کند. موفقیت‌های مالی ملاک اصلی قرار گرفته است.
افزایش تنوع و انتظارات	در کشور ما گردش مالی خوب است. وضعیت اقتصادی در مقایسه با سال‌های پیش بهتر شده است اما نمی‌توانیم این بهبود را در زندگی افراد حس کنیم. چرا؟ چون انتظارات افزایش یافته است. جالب اینجاست که سرعت افزایش انتظارات از سرعت افزایش درآمدها بیشتر بوده و همین باعث به وجود آمدن مشکل شده است.

با تحلیل تم مصاحبه‌ها و گروه کانونی، در مرحله اول، ۱۴۷ کد استخراج شد که با پالایش و حذف موارد تکراری، در نهایت، ۹۴ کد ملاک طبقه‌بندی قرار گرفت. از این تعداد، عوامل اجتماعی ۴۴ کد، عوامل سیاسی ۲۸ کد، عوامل اقتصادی ۱۵ کد، و عوامل فناورانه ۱۰ کد را به خود اختصاص دادند. در ادامه، نتایج تحلیل تم در قالب جدول‌های ۴، ۵، ۶ و ۷ بیان شده است:

جدول ۴. عوامل اجتماعی افول سرمایه اجتماعی

تم اصلی	تم فرعی	کد	نشانگان مصاحبه
عوامل اجتماعی	ذهنی	احساس بی‌عدالتی	I22, K2
		استقلال‌طلبی فردی	B4, L8
		افزایش بدبینی در جامعه	A8, E19, K4
		افزایش احساس فقر	E6
		افزایش بی‌رویه مشغله‌های زندگی	I27
		افزایش تجردگزینی	E14
		افزایش توقع و انتظارات	E4, I23, C8
		بدبینی نسبت به سیاستمداران	B15, M3
		تضعیف روحیه جمع‌گزینی	F6
		تضعیف روحیه خیرخواهی در جامعه	C15
		تقویت فرهنگ منفعت‌طلبانه در جامعه	C20
		تمایل به پیشرفت سریع	B3

ادامه جدول ۴. عوامل اجتماعی افول سرمایه اجتماعی

تم اصلی	تم فرعی	کد	نشانگان مصاحبه
		توجه افراطی به فرهنگ بیگانه	I31
		جابجایی ارزش (تبدیل ضدارزش به ارزش)	I24
		خودمحوری	B2, J6, B1
		ضعف بنیان خانواده	C3, E7
		ضعف در سیستم آموزشی	D5, C1, I21
		ضعف رسانه‌ها	C4
		ضعف نهادهای مذهبی	C2
		ظهور الگوهای ضدارزشی	I25
		نبود تقارن اطلاعاتی (بین مردم و دولت)	A7
		بی‌توجهی به اولویت‌ها	C10
		افول سلامت روانی جامعه	I28
		فاصله گرفتن از آرمان‌ها	I18, M4
		کاهش اعتقاد به معاد	A3, L3
		کاهش امید به آینده	I33
		کاهش توجه به اخلاقیات در جامعه	I19
		کاهش سطح دینداری	A2, I26
		نارضایتی اقلیت‌ها	F10
		افزایش آپارتمان‌نشینی	I30
		افزایش دروغ‌گویی در جامعه	E10, I20
		افزایش طلاق	E13
		افزایش فردگرایی	F5, C11, A1, G5, J4, K5, F8
		افزایش هزینه‌های دیدوبازدید جمعی	E9
		برهم خوردن ترکیب جمعیتی	F11
		تسهیل شدن امکان مهاجرت	F9
	عینی	تغییر سبک زندگی	C7, K9
		رشد شهرنشینی	D1, L12
		رواج پول‌پرستی	C9
		رواج فحشا	I32
		سیاست‌زده شدن دین	A5
		کاهش شادی و نشاط در جامعه	I29, M10
		گسست بین‌نسلی	F7
		محوریت رقابت در عصر حاضر	B6

جدول ۵. عوامل اقتصادی افول سرمایه اجتماعی

تم اصلی	تم فرعی	کد	نشانیگان مصاحبه
عوامل اقتصادی	سیستمی	تقویت روحیه سودگرایانه در جامعه	C16
		رکود اقتصادی	E5
		اوضاع بد اقتصادی	E18, K7
		افزایش اختلاس	I8
		افزایش رشوه‌گیری	I9
		توزیع ناعادلانه ثروت	I10, K6
		انحصار قدرت اقتصادی در دولت و نهادهای شبه‌دولتی	I11
		بی‌ثباتی اقتصاد جهانی	I14
		تغییرات پی‌درپی نرخ طلا، ارز، نفت	I15
		افزایش بیکاری	I16, K8
		بی‌توجهی به تولید داخلی	I17
	فردی	تأمین‌نشدن حداقل‌های معیشتی	A6, D3, B7
		افزایش فقر	E8, I13, G4
		کاهش امید به زندگی	E17
		نبود احساس امنیت اقتصادی	I12

جدول ۶. عوامل سیاسی افول سرمایه اجتماعی

تم اصلی	تم فرعی	کد	نشانیگان مصاحبه
سیاسی	سیستم سیاسی	تنش سیاسی	B10
		افزایش فاصله قدرت	B11
		سیاست‌زده شدن اداره	B13
		عملکرد نامناسب در مدیریت بحران	B14
		افزایش زدوبند سیاسی	B16
		گسترش فساد	F1
		بزرگی دولت	F3
		سوء عملکرد دولت	G1
		افزایش اختلاس	G2, L5
		نبود شایسته‌سالاری	I1
		سیستم قضایی ناکارآمد	I2, L4

ادامه جدول ۶. عوامل سیاسی افول سرمایه اجتماعی

تم اصلی	تم فرعی	کد	نشانیگان مصاحبه
مدیران و مسئولین		ناهماهنگی بین قوا	I3
		ظهور پوپولیسم	I5
		امنیتی کردن جامعه	I6, L1
		ضعف در سیستم قانون گذاری	I7
		رفتار مسئولین	B8, H2
		آینده نگری نبودن مسئولان	B12
		ضعف در عملکرد مدیران	C12, C5, H1, B9, J3, L7
		افزایش ریاکاری در مدیران	C13
		افزایش روحیه اشرافی گری مدیران	C14
		صداقت نداشتن سیاستمداران	D2
	مدیران و مسئولین	فساد مالی مدیران	E2, C6
		فساد اخلاقی مدیران	E3
		محقق نشدن وعده های سیاسیون	E15, M2, I4
		افشاگری رجال علیه همدیگر	E16
		ناکارآمدی سیاستمداران	F2
		افزایش بی اعتمادی به سیاستمداران	F4, M1
		مقاومت در برابر تغییر	G3

جدول ۷. عوامل فناورانه افول سرمایه اجتماعی

تم اصلی	تم فرعی	کد	نشانیگان مصاحبه
فناورانه	کنشگران	کاربرد غلط فناوری اطلاعات	A4, I34, L7
		ضعف در مدیریت فناوری	C17
		جابه جایی هدف و وسیله در به کارگیری فناوری	C18, M6
	ماهیت	ضد همکاری گونه بودن فناوری های نوین	B5
		سست (سطحی) شدن ارتباطات	C19, G6
		تسهیل شدن ارتباطات غیر حضوری	D4
		محتوای نامناسب فضای مجازی	E11
		شکسته شدن حریم خصوصی در فضای مجازی	E12, M7
		ایجاد فضای شایعه آلود	I35
		سوگیری سیاسی رسانه ها	I36

عوامل طبقه‌بندی‌شده، در قالب شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. طبقه‌بندی عوامل افول سرمایه اجتماعی

نتیجه‌گیری

در واکاوی افول سرمایه اجتماعی، گستره‌ای از عوامل وجود دارند که شایان توجه‌اند. شناسایی و نظم‌دادن به این عوامل در قالب یک چارچوب، از ملاحظات خاصی برخوردار است. در انتخاب این چارچوب باید شرایطی فراهم شود تا بتوان همه عوامل را پوشش داد. بدین منظور از مدل PEST بهره گرفته شده است. مدل PEST در عین ساده‌بودن، پوششی مناسب برای عوامل شناسایی شده فراهم می‌کند. بنابراین، مدل یادشده به‌عنوان هسته اصلی طبقه‌بندی در نظر گرفته شده است. در طبقه‌بندی عوامل، این مسئله وجود دارد که برخی عوامل را نتوان به‌طور کامل و دقیق به طبقه خاصی اختصاص داد. برای مثال، احساس بی‌عدالتی عاملی اجتماعی در نظر گرفته شده است و همزمان این عامل می‌تواند ذیل عوامل اقتصادی نیز تعریف شود. دلیل این اتفاق به ماهیت علوم انسانی برمی‌گردد؛ ویژگی‌هایی مانند پیچیدگی، درهم‌تنیدگی، تفکیک‌ناپذیری و پیش‌بینی‌ناپذیری با علوم انسانی عجین شده است و این ویژگی‌ها همواره به‌عنوان محدودیت، پیش روی محققان این حوزه قرار دارد. نکته مهم دیگر آنکه در چارچوب ارائه‌شده، فقط اثر مستقیم عوامل بر افول سرمایه اجتماعی مد نظر بوده است و با آنکه آثار غیرمستقیم انکارنشده‌ای

بوده، انعکاس آن‌ها در این چارچوب امکان‌پذیر نیست. بدین منظور باید تحقیقی مجزا انجام گیرد. طبق آنچه در جدول‌های بخش یافته‌ها نمایش داده شد، با تحلیل‌های اولیه و شناسایی کدها، عوامل اجتماعی با ۶۹ کد، پربسامدترین عوامل در نظر گرفته شده است که می‌تواند بدین معنا باشد که به زعم پاسخ‌گویان، عوامل اجتماعی بیشترین سهم را در افول سرمایه اجتماعی داشته‌اند. عوامل سیاسی نیز با ۴۴ کد اولیه، در رتبه دوم قرار دارند. می‌توان گفت عوامل اجتماعی نزدیک‌ترین عوامل مؤثر بر افول سرمایه اجتماعی بوده و سایر عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری آن‌ها بوده‌اند. البته در مدل نهایی، همه عوامل در یک رده قرار داشته و تقدم و تأخری برای آن‌ها در نظر گرفته نشده است. درباره بررسی ورای طبقه‌بندی نیز باید گفت، به زعم صاحب‌ه‌شوندگان، «افزایش فردگرایی» با هفت تکرار و «ضعف در عملکرد مدیران» با شش تکرار، به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افول سرمایه اجتماعی قلمداد می‌شوند. در مقایسه یافته این پژوهش با پژوهش‌های پیشین، برخی تشابه‌ها و افتراق‌ها وجود دارد. انتخاب عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی به‌عنوان ابعاد مدل ارائه‌شده، در پژوهش‌های قبل نیز مسبق به سابقه بوده است (دینی ترکمانی، ۱۳۸۵؛ Domenichini, 2007). در پژوهش حاضر عوامل فناورانه نیز به‌عنوان بعدی جدید در نظر گرفته شده است. در پژوهش دینی ترکمانی (۱۳۸۵) از نحوه تعامل بین عوامل سه‌گانه، به تبیین افول سرمایه اجتماعی پرداخته شده در صورتی که در پژوهش حاضر، ریز عوامل هر یک از ابعاد، شناسایی شده است. علاوه بر این، در پژوهش دومینیچینی (۲۰۰۷) عوامل اقتصادی به‌عنوان محور در نظر گرفته شده‌اند، در حالی که در پژوهش حاضر برای هیچ‌یک از عوامل، محوریت خاصی در نظر گرفته نشده است. در این پژوهش سعی شده است با نگاهی جامع، به شناسایی حداکثری عوامل مؤثر بر افول سرمایه اجتماعی پرداخته شود، اما رویکردی که در برخی پژوهش‌های دیگر در پیش گرفته شده، تمرکز بر عواملی خاص برای تبیین افول بوده است. اولکن (۲۰۰۹) به نقش تلویزیون و رادیو توجه کرده است؛ کلارک (۲۰۱۵) تغییرات نسلی را عامل افول معرفی کرده؛ براتولینی و ساراچینو (۲۰۱۵) نیز گرایش به اندیشه‌های ماتریالیستی را به‌عنوان عامل اثرگذار بر افول، بیان کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش در سطحی بالاتر قرار داشته و هر یک از موارد یادشده

می‌تواند به عنوان ریز عامل در این پژوهش قید شوند. ریز عواملی که تعداد آن‌ها به ۹۴ رسیده است و همین نشان‌دهنده گستره یافته‌ها است. عوامل چهارگانه (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فناورانه) شناسایی شده در این پژوهش فقط به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند، پژوهشگران بعدی می‌توانند ضمن تعریف سایر نقش‌ها به این عوامل، در قالب مدل‌های کمی، به تبیین افول سرمایه اجتماعی بپردازند.

منابع و مأخذ

۱. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (۱۳۹۴). گزارش اجرای طرح ملی سنجش سرمایه اجتماعی کشور. فصلنامه نمایه پژوهش، سال اول، شماره ۲، صفحات ۷-۱۰.
۲. دینی ترکمانی، علی (۱۳۸۵). تبیین افول سرمایه اجتماعی. رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۳، صفحات ۱۴۷-۱۷۱.
۳. رنانی، محسن، و مؤیدفر، رزیتا (۱۳۹۰). چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد: سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران. تهران: طرح نو.
۴. زارعی متین، حسن، قنبری، علی‌اکبر، و قانع، مرضیه (۱۳۹۴). بررسی رابطه هوش عاطفی و سرمایه اجتماعی در تشکلهای مردم‌نهاد. مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۱، صفحات ۶۱-۷۴.
۵. عباس‌زاده، هادی، و کرمی، کامران (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱، صفحات ۳۱-۵۸.
۶. عبدالحی، محمد، و موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار. رفاه اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲۵، صفحات ۲۳۳-۱۹۵.
7. Baker, W. (1990). Market networks and corporate behaviour. *American Journal of Sociology*, 96(3), 589-625.
8. Bartolini, S., & Sarracino, F. (2015). The dark side of Chinese growth: Declining social capital and well-being in times of economic boom. *World Development*, 74, 333-351.
9. Belliveau, M. A., O'Reilly, C. A., & Wade, J. B. (1996). Social capital at the top: Effects of social similarity and status on CEO Compensation. *Academy of Management Journal*, 39(6), 1568 – 1593.
10. Bourdieu, P. (1986). The forms of Capital, *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*. Published under the direction of J.G. Richardson, New York: Greenwood Press.
11. Burt, R. S. (1992). *Structural holes: The social structure of competition*. Cambridge: Harvard University Press.
12. Clark, A. K. (2015). Rethinking the Decline in Social Capital. *American Politics Research*, 43(4), 569– 601.

13. Coleman, J. C. (1990). *Foundation of social theory*. Cambridge: Harvard University Press.
14. Coleman, J. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94, 95-120.
15. Costa, D., & Kahn, M. (2003). Understanding the decline in social capital, 1952-1998. *Kyklos*, 56, 17-46.
16. Domenichini, E. C. (2007). Social capital in contemporary society : decline or change. *Theses, Dissertations, and Projects*, Paper 1311. <https://scholarworks.smith.edu/theses/1311>
17. Durkheim, E. (1998). *The division of labor in society*. New York: Free Press.
18. Fukuyama, F. (1996). *Trust: The social virtues and the creation of prosperity*. New York: Free Press Paperbacks.
19. Judson H. L. (1920). *The community center*. Boston: Silver.
20. Legatum, I. (2017). The Lagatum prosperity index. Available at <http://www.prosperity.com/rankings>.
21. Marx, K. (1967). *Capital*. Vol.1, New York: International Publishers.
22. Olken, B. A. (2009). Do television and radio destroy social capital? Evidence from Indonesian villages. *American Economic Journal: Applied Economics*, 1(4), 1-33.
23. Paxton, P. (1999). Is social capital declining in the United States? A multiple indicator assessment. *American Journal of Sociology*, 105(1), 88-127.
24. Putnam, R. D. (1995). Bowling alone: America's declining social capital. *Journal of Culture and Politics*, 223-234.
25. Turcotte, M. (2015). Trends in social capital in Canada (Catalogue no. 89-652-X2015002). Spotlight on Canadians: Results from the general social survey, Available Retrieved from the Statistics Canada website: <http://www.statcan.gc.ca/pub/89-652-x/89-652-x2015002-eng.pdf>.